

شخصی سر کلاس ریاضی خوابش برد.

زنگ را زدند بیدار شد و با عجله دو مسئله را که روی تخته سیاه نوشته شده بود، یادداشت کرد و با این «باور» که استاد آن را به عنوان تکلیف منزل برای هفته بعد داده است به منزل برد و تمام آن روز و آن شب برای حل کردن آنها فکر کرد.

هیچ یک را نتوانست حل کند.

اما طی هفته دست از کوشش بر نداشت.

سرانجام یکی از آنها را حل کرد و به کلاس آورد.

استاد به کلی مبهوت شد؛ زیرا آن دو را به عنوان دو نمونه از مسایل غیر قابل حل ریاضی داده بود.